

## مقاله پژوهشی: تعهدات زیست‌محیطی شرکت‌های فراملی و مسئولیت مرتبط با

### نقض تعهدات؛ مطالعه موردی آلودگی دریای مازندران

[20.1001.1.24234621.1401.12.47.2.4](https://doi.org/10.24234/20.1001.1.24234621.1401.12.47.2.4)

عقیل محمدی، اسید فضل‌الله موسوی، مهرداد حلال‌خور<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۱/۲۱

#### چکیده

موارد متعدد تخریب و آلودگی محیط‌زیست توسط شرکت‌های فراملی، ضرورت تبیین استانداردهای بین‌المللی حاکم بر رفتار زیست‌محیطی آن‌ها و نیز مسئولیت ناشی از موارد نقض را مطرح می‌کند. این مقاله بر پایه شیوه توصیفی - تحلیلی به این سؤال پاسخ می‌دهد که چه قواعدی در حقوق بین‌الملل بر رفتار زیست‌محیطی متخلفانه این شرکت‌ها حاکم است و مسئولیت بین‌المللی آن‌ها به چه نحو است؟ در پاسخ می‌توان بیان داشت که اگرچه حقوق بین‌الملل توانسته است حداقل‌های زیست‌محیطی را در ارتباط با این شرکت‌ها تدوین کند؛ اما همچنان دو موضوع الزامات زیست‌محیطی و نیز مسئولیت نقض این الزامات، چالش‌برانگیز است. از حیث مسئولیت بین‌المللی بابت نقض تعهدات زیست‌محیطی هم قواعد عام حقوق بین‌الملل قابل اعمال است. با توجه اهمیت دریای مازندران و حفاظت از محیط‌زیست آن، موضوع آلودگی نفتی این دریا توسط شرکت‌های فراملی طرف قرارداد با جمهوری آذربایجان نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** شرکت‌های فراملی، حقوق نرم، تعهدات زیست‌محیطی، مسئولیت بین‌المللی، آلودگی دریای مازندران.

۱. استادیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز.

۲. استاد، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.

۳. دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

## مقدمه

جهانی‌شدن و پیشرفت فعالیت اقتصادی و به‌ویژه گسترش نقش شرکت‌های فراملی به نحو فزاینده‌ای توجه جامعه بین‌المللی را متمرکز بر آثار زیست‌محیطی این پیشرفت‌ها کرده است. افزایش روزافزون نقش شرکت‌های فراملی در جامعه بین‌المللی باعث شده است که وضعیت این شرکت‌ها مورد توجه جدی حقوق بین‌الملل قرار گیرد؛ این شرکت‌ها در کنار جایگاه ویژه‌ای که در توسعه اقتصاد جهانی دارند عملکردهای منفی نیز داشته‌اند که موارد متعدد تخریب و آلودگی‌های محیط‌زیست و همچنین نقض حقوق بشر از مهم‌ترین‌ها آن‌ها محسوب می‌شوند. اسناد بین‌المللی نشان می‌دهند که الزامات زیست‌محیطی حاکم بر رفتار این شرکت‌ها و مسئولیت بین‌المللی آن‌ها بابت نقض قواعد بین‌المللی عموماً در قالب قواعد حقوقی نرم تعریف شده‌اند. کشورهای توسعه‌یافته که غالباً به‌عنوان صاحبان این شرکت‌ها شناخته می‌شوند به‌راحتی اجازه نخواهند داد که عملکرد این شرکت‌ها زیر ذره‌بین دقیق حقوق بین‌الملل و تحت شمول قواعد حقوقی سخت و الزام‌آور قرار گیرد. موضوع مسئولیت بین‌المللی این شرکت‌ها نیز همچنان با ابهاماتی روبرو است؛ چراکه هنوز به نحو دقیق مشخص نشده است که مسئولیت ناشی از اعمال متخلفانه این شرکت‌ها به عهده خود آن‌ها یا دولت متبوع آن‌ها یا دولت میزبان سرمایه است.

محیط‌زیست ایران نیز از تخریب محیط‌زیست توسط شرکت‌های فراملی بی‌نصیب نمانده است؛ به‌عنوان یک نمونه مهم می‌توان به آلودگی دریای مازندران اشاره کرد که بخشی از آن مربوط به آلودگی نفتی در نتیجه حضور شرکت‌های مذکور طرف قرارداد با کشور جمهوری آذربایجان است. از سال ۱۹۹۴ شرکت انگلیسی «بریتیش پترولیوم (بی‌پی)»<sup>۱</sup> به همراه چند شریک دیگر استخراج نفت جمهوری آذربایجان در دریای مازندران را به عهده گرفته‌اند که شواهد نشان می‌دهد مواد آلوده نفتی که در آب‌های این دریا جاری شده‌اند، تخریب و آلودگی محیط‌زیست و آسیب به سواحل ایران را به همراه داشته است. سؤال این مقاله این است که قواعد حقوقی بین‌المللی حاکم بر رفتار

۱ British Petroleum

زیست‌محیطی این شرکت‌ها کدامند و در صورت نقض این قواعد، مسئولیت آن‌ها به چه نحو است؟ در این مقاله نخست کلیاتی در باب وضعیت این شرکت‌ها در اقتصاد و سرمایه‌گذاری جهانی بیان می‌شود و در قسمت دوم به‌طور خاص الزامات زیست‌محیطی مربوط به این شرکت‌ها بررسی می‌شوند. قسمت سوم به بررسی مسئولیت بین‌المللی این شرکت‌ها و قسمت پایانی به مطالعه موردی آلودگی دریای مازندران توسط این شرکت‌ها اختصاص داده می‌شود.

## مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

### پیشینه تحقیق

یاسر ضیایی در مقاله خود با عنوان «جایگاه تعهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری» رابطه میان حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را تبیین کرده است. نویسنده کدهای رفتاری شرکت‌ها فراملی را یکی از منابع مشترک این دو حوزه دانسته است؛ نظر به اینکه این شرکت‌ها موضوع حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری هستند، مقاله به‌صورت مختصر تلاش کرده است که الزامات و پیش‌شرط‌های زیست‌محیطی حاکم بر عملکرد این شرکت‌ها در کشورهای میزبان را بررسی کند؛ اثر مفید و قابل ذکر دیگر، مقاله «تعهدات زیست‌محیطی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست» به نویسندگی محمدعلی صلح‌چی و مهرداد محمدی است. مقاله بیان می‌دارد که باوجود ارتکاب نقض‌های زیست‌محیطی متعدد توسط این شرکت‌ها، آن‌ها تا به امروز اساساً به استانداردهای الزام‌آور زیست‌محیطی بین‌المللی پایبندی چندانی نشان نداده‌اند؛ اما بااین حال می‌توان قواعد نرم حقوق بین‌الملل و اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست همچون پیشگیری، احتیاط و ارزیابی آثار زیست‌محیطی را قابل تسری به این شرکت‌ها دانست.

محمدرضا پاسبان و زینب اصغری در مقاله خود تحت عنوان «نقش رفتار منصفانه در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی با تأکید بر مفهوم مسئولیت اجتماعی

شرکت‌های فراملی»، مفهوم مسئولیت اجتماعی این شرکت‌ها در برابر جامعه میزبان را ذیل مفهوم رفتار منصفانه بررسی و بیان داشته‌اند که شرط رفتار منصفانه در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری خارجی اقتضا دارد که شرکت‌های فراملی به اصولی مانند حق بر توسعه، حقوق کار و به‌ویژه حقوق محیط‌زیست در کشورهای محل فعالیت خود پایبند باشند.

## مبانی نظری

### پدیده جهانی‌شدن

پدیده جهانی‌شدن به‌عنوان فرایندی چندبعدی که خود شامل طیف گسترده‌ای از فرایندهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و از همه مهم‌تر اقتصادی است با علوم مختلفی از جمله حقوق و محیط‌زیست در ارتباط است. در کنار موضوعاتی چون توسعه صنعت ارتباطات و بازارهای مالی جهانی، پیدایش و تکوین جهانی شرکت‌های فراملی که بخش عظیمی از اقتصاد جهانی را در اختیار دارند نیز یکی از عوامل اصلی پدیده مذکور شناخته می‌شود. به‌هم‌پیوستگی بین‌المللی فزاینده در بخش‌های تجاری، مالی، ارتباطات، حقوق و محیط‌زیست، جهانی‌شدن را به دنبال داشته است. واضح است که روند جهانی‌شدن که به‌سرعت در حال گسترش است در کنار آثار مثبت اقتصادی، آثار زیست‌محیطی بسیار وحشتناکی را به بار می‌آورد؛ همچنین با امان‌نظر به اینکه تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه کمتر حاضر می‌شوند که دست رد به سینه سرمایه‌گذاران خارجی حتی به قیمت نابودی محیط‌زیستشان بزنند و با توجه به فقدان که در حوزه ابزارهای قانونی لازم در قوانین داخلی و بین‌المللی جهت حمایت از محیط‌زیست وجود دارد؛ بنابراین امکان نقض‌های زیست‌محیطی به‌واسطه فعالیت این شرکت‌ها بدیهی می‌نماید (صلح‌چی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۳).

### پدیده شرکت‌های فراملی

گفته شده است که شرکت فراملی «یک واحد اقتصادی است که در بیش از یک کشور یا مجموعه‌ای از واحدهای اقتصادی - صرف‌نظر از اینکه از لحاظ حقوقی چه شکلی داشته باشد، خواه در کشور متبوع خود یا کشور میزبان و خواه به‌صورت انفرادی یا جمعی

فعالیت می‌کند» (U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2, 2003: Art.20). بسیاری از کشورها، قربانی تخریب محیط‌زیست به علت بهره‌برداری از منابعشان توسط این شرکت‌ها هستند. کشورهای توسعه‌یافته به منظور بهبود اقتصادی ملی‌شان، میزبان این شرکت‌ها می‌شوند و در مقابل، آن‌ها از این فرصت استفاده کرده و با نیروی کار ارزان و در پرتو استانداردهای زیست‌محیطی نه‌چندان سخت‌گیرانه، هزینه‌های تولید را کاهش داده، سود هنگفتی را به دست می‌آورند.

### روش‌شناسی تحقیق

این مقاله مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی و در پرتو اطلاعات و داده‌های گردآوری شده به شیوه کتابخانه‌ای به تبیین موضوع می‌پردازد. در چارچوب این روش تلاش می‌شود ضمن تبیین یک سری مفاهیم به توصیف موقعیت یک پدیده در زمان و بررسی شرایط و روابط موجود بپردازد. در این روش از تحقیق، نوعاً از شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و بررسی متون و محتوای مطالب استفاده می‌شود. در تبعیت از این امر در این مقاله تلاش شده است که اطلاعات و داده‌های لازم از کتب، مقالات، اسناد بین‌المللی و وبسایت‌های اینترنتی جمع‌آوری شود و به توصیف و بیان مشخص و دقیق ابعاد موضوع پرداخته شود و در کنار آن، تحلیل محتوای لازم صورت گیرد و نتایج و یافته‌های قابل قبولی به مخاطب عرضه شود. نکته مهم اینکه این مقاله از نوع تحقیقات توصیفی با جنبه و بعد کاربردی بهره می‌برد. نتایج این تحقیق می‌تواند در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و همچنین برنامه‌ریزی‌ها استفاده شود؛ به‌ویژه در قسمت پایانی مقاله که از وضعیت آلودگی دریای مازندران توسط شرکت‌های فراملی طرف قرارداد کشور آذربایجان صحبت می‌شود، تلاش شده است که به لحاظ کاربردی، نتایج و یافته‌های مهمی ارائه شود که به‌ویژه از این نظر که نوآوری دارد و پیش‌از این مورد بررسی و دقت نظر قرار نگرفته است می‌تواند برای مخاطبان خود قابل توجه باشد.

## یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

### الف. استانداردهای زیست‌محیطی بین‌المللی مربوط به شرکت‌های فراملی

پیش از تبیین استانداردها و کدهای زیست‌محیطی بین‌المللی مرتبط با شرکت‌های فراملی، به برخی از مهم‌ترین نمونه‌های تخریب محیط‌زیست توسط این شرکت‌ها اشاره می‌شود.

#### ۱. برخی از نمونه‌های تخریب و آلودگی محیط‌زیست توسط شرکت‌های فراملی

در یک نمونه، آلودگی ناشی از سوزاندن گاز، نشت نفت و شکل‌گیری لایه‌های هیدروکربن پس از نشت نفت در نتیجه فعالیت شرکت نفتی «شل»<sup>۱</sup> در دهه نود قرن بیستم در نیجریه منجر به نابودی اکوسیستم دلتای نیجر شد. اشتعال گاز دائمی که خود موجب انتشار گازهای گلخانه‌ای و در نتیجه باران اسیدی شد، نابودی محیط‌زیست و فاجعه انسانی برای ساکنان محلی را به دنبال داشت. بیماری‌های تنفسی در نتیجه استنشاق دود و از دست رفتن شنوایی ناشی از صداهای ممتد و آلوده شدن آب آشامیدنی، بخشی از آثار زیان‌بار اتفاقات مذکور بود. اگرچه نفت به‌طور مستقیم وارد منابع آب نشد اما باران، آلودگی و مواد نفتی را وارد آب ساخت که این امر، خود نابودی پوشش جانوری و گیاهی از جمله درختان حرا، بیماری سرطان و سوءتغذیه در این منطقه را به دنبال داشت (صلح‌چی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۵-۸۴). مقدار نفتی که در دلتای نیجر نشت پیدا کرد بسیار بالا بود. نکته جالب این حادثه این بود که علی‌رغم این واقعیت که شرکت شل در طول سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲ به‌طور هم‌زمان در بیست‌وهفت کشور فعالیت داشت اما ۴۰ درصد از نشت نفت، در طول سال‌های مذکور صرفاً در دلتای نیجر به وقوع پیوست (Cayford, 1996, Vol 43: 183).

نمونه دیگر از تخریب محیط‌زیست در نتیجه فعالیت‌های شرکت نفتی «تگزاکو»<sup>۲</sup> در دهه نود قرن بیستم در اکوادور اتفاق افتاد. بقای فیزیکی و فرهنگی مردم بومی در نتیجه آلودگی

<sup>۱</sup> Shell

<sup>۲</sup> Texaco

زیست‌محیطی ناشی از استخراج نفت تهدید شد. آلودگی شدید آب‌ها، نابودی جنگل‌ها و فرسایش وسیع خاک‌ها بخشی از خسارات فعالیت این شرکت بودند. تعداد زیادی از درختان جنگل‌ها به واسطه جاده‌سازی (به‌منظور حمل نفت) از بین رفتند که خود نابودی آبشارها و آزاد شدن حجم وسیعی از گازهای گلخانه‌ای را موجب شد. نشت نفت از بین رفتن درصد زیادی از آب‌های زیرزمینی و قابل آشامیدن، سرطان و بیماری‌های پوستی و برخی بیماری‌های دیگر را به همراه داشت؛ همچنین ورود ۴۶۴ میلیون بشکه پساب‌های صنعتی آلوده به رودخانه‌های این کشور از دیگر آثار اقدامات این شرکت بود که باعث آلودگی رودخانه‌های پرو نیز گردید (Rodgers Kalas, 2000: 47-51).

شرکت‌های فراملی در حوزه بهره‌برداری از معادن نیز فعالیت دارند. بی‌شک استخراج مواد معدنی نیز می‌تواند آلودگی خاک، آب‌وهوا، نابودی جنگل‌ها، از بین رفتن گونه‌های گیاهی و جانوری را به دنبال داشته باشد؛ برای مثال معدن‌کاری در کشور غنا در سال ۱۹۸۹ و همچنین آلودگی گسترده رودخانه «اوک‌تدی» در پاپوا گینه نو در پی برداشت معادن طلا و مس توسط یک شرکت استرالیایی سبب تخریب و ویرانی اراضی قابل کشت شدند. در اثر حادثه‌ای در دهه ۱۹۹۰ سالیانه ۴۰ میلیون تن سنگ زائد و ۳۰ میلیون تن ضایعات معدن‌کاری توسط شرکت مذکور وارد طبیعت شد؛ به‌نحوی که صدمات فراوانی به سیستم رودخانه‌ای و نیز جنگل‌های استوایی این کشور و در نتیجه روش سنتی امرار معاش مردمان بومی ساکن در منطقه وارد ساخت (صلح‌چی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۶). آنچه بیان شد تنها نمونه‌هایی از موارد متعدد تخریب محیط‌زیست توسط شرکت‌های فراملی در سراسر جهان است.

## ۲. شرکت‌های فراملی و استانداردهای زیست‌محیطی بین‌المللی

دول میزبان شرکت‌های فراملی اغلب فاقد ابزارهای لازم برای اجرا و تقویت استانداردهای دقیق و جدی حاکم بر رفتار این شرکت‌ها هستند؛ به‌علاوه حکومت‌ها اولویت را با توسعه اقتصادی و سرمایه‌گذاری توسط شرکت‌ها می‌دانند. تاکنون حقوق بین‌الملل نیز نتوانسته است علی‌رغم تأثیر گسترده این شرکت‌ها در ویرانی محیط‌زیست،

اسناد الزام‌آوری در خصوص آن‌ها تدوین نماید (Mowery, 2002: 358). عمده مقرراتی که در وضعیت کنونی راجع به این شرکت‌ها موجود است در قالب کدهای رفتاری است که توسط دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و خود شرکت‌ها تهیه شده یا می‌شوند. به چند دلیل اعمال قواعد زیست‌محیطی در جریان سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه با ضرورت بیشتری همراه است؛ اولاً اینکه این کشورها مقصد عمده سرمایه‌گذاری شرکت‌های فراملی هستند؛ ثانیاً شهروندان این کشورها آسیب‌پذیرتر هستند و دلیل سوم این است که حاکمیت این کشورها در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و حتی برخی از این شرکت‌ها در مدیریت و بهره‌برداری منابع طبیعی ضعیف‌تر عمل می‌نمایند (ضیایی، ۱۳۹۵: ۱۲۷). صاحبان این شرکت‌ها هم در موارد معدودی، اقدام به تدوین دسته‌ای از اصول راهنما و کدهای رفتاری نموده‌اند (Shinsato, 2005: 190). در این میان، سازمان‌های جهانی و منطقه‌ای در تصویب کدهای رفتاری برای این شرکت‌ها نقش مؤثرتری را ایفا کرده‌اند که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

برای نمونه «هنجارهای ملل متحد راجع به مسئولیت‌های شرکت‌های فراملی و دیگر مؤسسات بازرگانی در زمینه حقوق بشر» از شرکت‌های فراملی می‌خواهد که فعالیت‌هایشان را با قوانین ملی، رویه‌ها و سیاست‌های اداری مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست کشور محل فعالیت منطبق سازند و به مقررات بین‌المللی مربوطه هم توجه کنند (UN. Doc. Art.14, 2003: E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2؛ همچنین بر طبق ماده ۱۲ «کد رفتاری ملل متحد راجع به شرکت‌های فراملی»: «شرکت‌های فراملی باید به واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی، سنت‌ها و ارزش‌های... حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین کشورهای میزبان احترام گذارند» (United Nations Code of Conduct on Transnational Corporations, 1983: Arts.12,13). در ماده ۴۱ این سند از الزام این شرکت‌ها به رعایت قوانین ملی استاندارددهای بین‌المللی زیست‌محیطی صحبت شده است و اینکه در صورت آسیب به محیط‌زیست، ملزم به اعاده وضع به سابق هستند و باید تلاش کنند که فناوری کافی برای تحقق این هدف را به کار برند. طبق ماده ۴۲ سند مزبور، شرکت‌ها باید اطلاعات مربوط به



ویژگی‌های خدمات، تولیدات و دیگر فعالیت‌های خود از جمله استفاده‌های آزمایشگاهی که ممکن است به محیط‌زیست آسیب برساند و همچنین اقدامات و هزینه‌های لازم برای اجتناب یا کاهش آثار زیان‌بار را در اختیار دولت میزبان قرار دهند. ماده ۴۳ نیز به پاسخگویی این شرکت‌ها به دولت میزبان و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی در راستای تلاششان برای توسعه و ارتقای استانداردهای ملی و بین‌المللی برای حمایت از محیط‌زیست در موارد مقتضی اشاره دارد.

اقدام سازمان ملل در مورد این شرکت‌ها صرفاً به سند فوق ختم نشده است. «کمسیون شرکت‌های فراملی»<sup>۱</sup> در سال ۱۹۹۱ در گزارشی ضمن اشاره به قبول خط‌مشی‌ها و استانداردهای زیست‌محیطی برای این شرکت‌ها توسط دولت‌ها تصریح کرده است که نظر به اینکه این قبیل خط‌مشی‌ها بیانگر دسته‌ای از استانداردهای زیست‌محیطی مورد توافق جامعه بین‌المللی است؛ لذا انتظار می‌رود که شرکت‌های فراملی طبق آن‌ها عمل کنند (صلح‌چی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۷). آنچه از این سند برمی‌آید صرفاً یک دسته درخواست‌ها و انتظارات از شرکت‌های فراملی است، بدون اینکه پشتوانه و مضمون حقوقی الزام‌آور همراه با ضمانت اجرا داشته باشند؛ البته وجود چنین سندی با این مضامین در آن سال‌ها طبیعی بوده است. یک سال بعد از گزارش مزبور «دپارتمان توسعه اقتصادی و اجتماعی ملل متحد»<sup>۲</sup> در گزارش خود راجع به سرمایه‌گذاری جهانی توسط این شرکت‌ها بیان می‌دارد که شرکت‌های فراملی به صورت گسترده‌ای درگیر فعالیت‌های مهم زیست‌محیطی هستند؛ به‌عنوان مثال آن‌ها هم تولیدکننده و هم مشتری «کلوروفلوروکربن»<sup>۳</sup> هستند که خود عامل اصلی تخریب لایه اوزون می‌باشند و به صورت گسترده در صنایع بسیار آلوده‌کننده و خطرناک استفاده می‌شوند (U.N. Doc. ST/CTC/143, 1992: 11). این گزارش اشاره دارد که پیشرفت‌های حاصل در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست از جمله پذیرش اسناد زیست‌محیطی

<sup>۱</sup> The Commission on Transnational Corporations

<sup>۲</sup> UN Department of Economic and Social Development

<sup>۳</sup> Chlorofluorocarbon

جدید حکایت از این دارد که به‌مرور زمان استانداردهای حداقل زیست‌محیطی بین‌المللی از جمله ارزیابی آثار زیست‌محیطی، استفاده پایدار از منابع طبیعی و آگاه نمودن شهروندان و مقامات بین‌المللی مصوب شده‌اند که شرکت‌های فراملی می‌توانند فعالیت‌های خود را بر مبنای آن‌ها پایه‌ریزی نمایند (صلح‌چی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۷-۸۸).

در کنار سازمان ملل، برخی از نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای هم اقدام به تصویب اسنادی کرده‌اند که همچون موارد فوق‌الذکر، الزام حقوقی برای شرکت‌ها به همراه ندارند. برای نمونه در بند ۱ ماده ۱۱۴ «موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)» مقرر شده است که هیچ‌چیز در این سند نباید مانع از این شود که یک دولت عضو بتواند در راستای تضمین این امر که فعالیت سرمایه‌گذاری در سرزمینش، نگرانی‌های زیست‌محیطی را مدنظر قرار می‌دهد، اقدامات لازم را مورد پذیرش یا تقویت قرار دهد. (North America Free Trade Agreement (NAFTA), 1994: 1114 (1)؛ همچنین در اعلامیه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در خصوص سرمایه‌گذاری خارجی و مؤسسات چندملیتی که یک اصول راهنما محسوب می‌شود تصریح شده است که دولت‌های عضو در این خصوص که فعالیت این شرکت‌ها در انطباق با حقوق بین‌الملل و دیگر تعهدات موردپذیرش صورت می‌گیرد مسئول هستند. (The OECD Declaration and Decisions on International Investment and Multinational Enterprises: Basic Texts, 2011: Art.9). در این سند، شرکت‌ها تشویق می‌شوند که با هدف به حداقل رساندن خسارت و آسیب‌های ناشی از فعالیتشان، مشارکت مؤثری در ارتقا و بهبود وضعیت اقتصادی و زیست‌محیطی کشور محل فعالیت داشته باشند. استانداردهای بیان‌شده می‌تواند بخشی از رویه‌های «مدیریت زیست‌محیطی فرامرزی» در شرکت‌های فراملی باشد که نشانگر اهداف، روش‌ها، استانداردها و رویه‌هایی می‌باشند که این شرکت‌ها جهت مدیریت چالش‌های زیست‌محیطی مدنظر دارند (Hansen, 1999: 3). علاوه بر اسناد موردبررسی می‌توان به اصول زیست‌محیطی شناخته‌شده در حقوق بین‌الملل هم اشاره داشت که در مورد این شرکت‌ها قابل اعمال

است. در ادامه به‌اجمال به بررسی برخی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته خواهد شد. اصل «احتیاط»<sup>۱</sup> یکی از این اصول زیست‌محیطی است که به معنای «پیشگیری از فعالیت‌هایی است که هنوز در مورد آن‌ها قطعیت علمی یا آگاهی لازم در خصوص زیان‌بار بودن آن فعالیت بر محیط‌زیست وجود ندارد» (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۹۳: ۶۶). در این ارتباط، اصل ۱۵ اعلامیه ریو تصریح دارد: «دولت‌ها برای حفاظت از محیط‌زیست، می‌بایست به‌طور گسترده و برحسب توان خویش تدابیر احتیاطی اتخاذ کنند. در مواردی که خطر ایجاد صدمات جدی یا جبران‌ناپذیر به محیط‌زیست وجود دارد، عدم یقین کافی علمی نباید مستمسکی جهت به تعویق انداختن اقداماتی شود که از نظر هزینه کارآمد بوده و لازمه جلوگیری از تخریب محیط زیستند» (Rio Declaration on Environment and Development, 1992: principle. 15).

در این خصوص سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در یکی از اسناد مصوب خود از شرکت‌ها می‌خواهد که برنامه‌هایی برای پیشگیری، کاهش و کنترل آسیب‌های زیست‌محیطی شامل سازوکارهایی برای گزارش فوری این آسیب‌ها به مقامات صالح، تنظیم و اجرا کنند. (OECD Guidelines for Multinational Enterprises, 2008: V (5) اصل «پیشگیری» نیز نسبت به شرکت‌ها قابل اعمال است. این اصل مستلزم استفاده از فنون خاص نظیر تجزیه و تحلیل احتمالی خطر و سپس ارزیابی پیامدهای به‌جامانده در فعالیت‌های انجام‌شده است (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۶).

اصل «ادغام (یکپارچه‌سازی)»<sup>۲</sup> یکی دیگر از این اصول است که در اصل ۴ اعلامیه ریو مندرج است که مطابق آن، کشورها باید از یک سو در برنامه اقتصادی و توسعه‌ای خود ملاحظات زیست‌محیطی را مورد توجه قرار داده و از سوی دیگر از نیازهای اقتصادی و توسعه اجتماعی در ایجاد، اعمال و تفسیر تعهدات زیست‌محیطی غافل نشوند (Sands, 2003: 263). این اصل هم قابلیت اعمال بر شرکت‌های فراملی را دارد؛ زیرا این شرکت‌ها با هدف اولیه

---

۱ Precautionary

۲ Prevention

۳ Integration

توسعه و ارتقای اقتصادی ملی کشور میزبان فعالیت می‌کنند و لذا لازم است که در سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود به موضوع محیط‌زیست توجه کنند. در واقع این معیار در ارتباط با شرکت‌ها در سطح مدیران و تصمیم‌گیرندگان آن‌ها کارایی دارد که با اعمال درست آن می‌توان از خسارات زیست‌محیطی جلوگیری نمود (صلح‌چی و دیگران، ۱۳۹۴: ۸۹).

اصل «ارائه اطلاعات زیست‌محیطی»<sup>۱</sup> سومین اصلی است که در مورد شرکت‌ها قابلیت اعمال دارد. الزام دولت‌ها به ارائه اطلاعات مقتضی و هشدار به موقع به یکدیگر در مورد فعالیت‌هایی که احتمال دارد اثرات زیست‌محیطی فرامرزی داشته باشد، در اصل ۱۹ اعلامیه ریو آمده است. (Rio Declaration on Environment and Development, 1992: principle. 19).

واضح است که ارائه چنین اطلاعاتی، امکان پیش‌بینی و پیشگیری از نقض‌های زیست‌محیطی احتمالی یا حداقل کاهش آن‌ها را افزایش می‌دهد؛ به‌عنوان آخرین اصل می‌توان از «ارزیابی آثار زیست‌محیطی»<sup>۲</sup> نام برد که در «دستور کار ۲۱»<sup>۳</sup> و همچنین اصل ۱۷ اعلامیه ریو مورد اشاره قرار گرفته است؛ اصلی که به نظر می‌رسد در مقایسه با اصول دیگر می‌تواند نقش مؤثرتر و مفیدتری برای شناسایی و مهار نقض‌های زیست‌محیطی توسط این شرکت‌ها داشته باشد. لازم است که در مورد کلیه فعالیت‌هایی که ممکن است اثرات مخرب جدی بر محیط‌زیست داشته باشند و اجرای آن منوط به تصمیم مقامات ذی‌صلاح ملی است، ارزیابی زیست‌محیطی صورت گیرد. در این ارتباط ضروری است که این شرکت‌ها بر مبنای داده‌ها و اطلاعاتی که در اختیار دارند آثار و پیامدهای زیست‌محیطی فعالیت‌های خود را بسنجند. اصول دیگری همچون «استفاده پایدار از منابع طبیعی»<sup>۴</sup>، «مشورت عمومی»<sup>۵</sup>، احتیاط و پیشگیری که قبلاً از آن‌ها سخن گفته شد، هم از دیگر اصول مهمی هستند که می‌توان نسبت به این شرکت‌ها اعمال کرد.

۱ Disclosure of Environmental Information

۲ Assessment of Environmental Impacts

۳ Agenda 21

۴ Sustainable Use of Natural Resources

۵ Public Consultation

در یک جمع‌بندی از آنچه در این قسمت گفته شد می‌توان بیان داشت که آنچه در حال حاضر در خصوص تعهدات زیست‌محیطی شرکت‌های فراملی وجود دارد در قالب قواعد حقوقی نرم و غیر الزام‌آور است. این قواعد که برآیند واقعیات عرصه بین‌المللی است با از میان برداشتن مرز میان الزام و عدم الزام، حقوق بین‌الملل را به سمت توسعه و دستیابی به قاعده‌ای مطلوب که بتواند جایگزین قاعده کنونی شود هدایت می‌کنند و بستر لازم برای جهت‌بخشی به اراده دولت‌ها در یک چارچوب مشخص و مبتنی بر عنصر خرد را تأمین می‌کنند (فلسفی، ۱۳۹۴: ۴۴۴-۴۴۳). ذکر این نکته شایان توجه است که در حقوق بین‌الملل معاصر حق بشر به داشتن محیط‌زیست سالم جایگاه قاعده عرفی بین‌المللی را به دست آورده است و اگرچه اصول فوق‌الاشاره که در راستای حمایت از محیط‌زیست و درنهایت تأمین حق مذکور در اسناد مختلف زیست‌محیطی ذکر شده‌اند و ناظر به الزام دولت‌ها به اتخاذ اقدامات معینی برای حمایت از شهروندان در برابر فعالیت‌های زیان‌بار برای محیط‌زیست جهانی می‌باشند؛ اما به نظر می‌رسد که به‌مرور زمان می‌توانند تبدیل به قواعد عرفی بین‌المللی شوند؛ موضوعی که خود می‌تواند این اصول را که در حال حاضر در قالب حقوق نرم نسبت به شرکت‌های فراملی قابل اعمال است را تبدیل به تعهدات حقوقی الزام‌آور و سخت برای این شرکت‌ها نماید (حیبی، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۰).

### ب) نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت شرکت‌های فراملی

سخن از مسئولیت یک موجودیت بین‌المللی، مستلزم شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی برای آن است. واقعیات حکایت از این دارند که هنوز حقوق بین‌الملل موضوعه با قطعیت این شخصیت را برای شرکت‌های فراملی مورد شناسایی قرار نداده است و به همین دلیل باید به نبود یک نظام حقوقی مشخص و الزام‌آور در خصوص مسئولیت این شرکت‌ها در قبال نقض حقوق بین‌الملل اذعان کرد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل این موضوع، نبود اراده دولت‌ها به‌ویژه دول صاحبان این شرکت‌ها در ظابطه‌مند کردن رفتار این شرکت‌هاست؛ به‌نحوی که در مقابل نقض الزامات حقوقی، مسئولیت بین‌المللی

داشته باشند؛ اما در مقابل با توجه به اینکه در چارچوب حقوق نرم و نظام ارزشی حقوق بین‌الملل، شخصیت بین‌المللی این شرکت‌ها مورد تصدیق قرار گرفته است لذا اصل کلی مسئولیت اجتماعی این شرکت‌ها از سوی عقل جمعی جامعه بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته است. (لطیفیان، ۱۳۹۲: ۵۹۷-۵۹۸)؛ بنابراین با وجود این وضعیت، نمی‌توان نسبت به کنترل و نظارت جدی بر رفتار و عملکرد این شرکت و طرح مسئولیت بابت عمل متخلفانه بین‌المللی امیدوار بود.

همان‌گونه که بیان شد از آنجا قواعد و استانداردهای حقوق بین‌الملل حاکم بر رفتار زیست‌محیطی این شرکت‌ها، هنوز در قالب حقوق نرم است لذا نظام حقوقی مرتبط با مسئولیت این شرکت‌ها را نیز باید در درون قواعد مذکور جستجو کرد. در فقدان قواعد مشخص در خصوص مسئولیت این شرکت‌ها در زمینه نقض حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، می‌توان به سراغ قواعد عام مسئولیت دولت رفت که مهم‌ترین و بارزترین مصداق آن «پیش‌نویس مواد راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی» مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل است. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه نهادهای معاهده‌ای حقوق بشر همچون کمیته حقوق بشر و کمیته منع شکنجه، حقوق عام مسئولیت بین‌المللی را در ارتباط با جوانب اساسی نقض‌های حقوق بشری که نزد آن‌ها مطرح شده است صریحاً یا به‌طور ضمنی اعمال کرده‌اند (صلح‌چی، ۱۳۹۳: ۱۰۹) می‌توان در مورد نقض‌های زیست‌محیطی نیز از این قواعد استفاده کرد. پیش از تبیین مسئولیت این شرکت‌ها در پرتو طرح مسئولیت دولت‌ها لازم است به نکات مهمی اشاره شود.

ماده ۱ سند «هنجارهای ملل متحد راجع به مسئولیت‌های شرکت‌های فراملی و دیگر مؤسسات بازرگانی در زمینه حقوق بشر» به مسئولیت دولت‌ها در زمینه اطمینان حاصل کردن از رعایت حقوق بشر توسط این شرکت‌ها اشاره دارد و این‌گونه تصریح می‌کند: «دولت‌ها مسئولیت اولیه راجع به ارتقاء، انجام، احترام و تضمین احترام و حمایت از حقوق بشر شناسایی شده در حقوق بین‌المللی و داخلی از جمله تضمین احترام به حقوق بشر توسط شرکت‌های فراملی و دیگر مؤسسات بازرگانی را بر عهده دارند». نکته مهم سند مذکور این است که در ادامه همین

ماده از تعهد خود این شرکت‌ها و مؤسسات نسبت به موارد فوق در حوزه مربوط به فعالیت و تأثیرگذاری‌شان از جمله نسبت به منافع مردمان بومی و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر سخن به میان آمده است (UN. Doc. E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2, 2003: Art.1).

مجموعه مقررات مذکور به نحو صریح و مستقیم این شرکت‌ها را مخاطب قرار داده و علاوه بر مسئولیت دولت‌ها، مسئولیت مستقیم خود آن‌ها در زمینه رعایت، احترام و ترویج حقوق بشر را نیز مقرر کرده است. با توجه به اینکه داشتن محیط‌زیست سالم یکی از انواع حقوق بشر محسوب می‌شود لذا مقرر مذکور می‌تواند در مورد عملکرد زیست‌محیطی این شرکت‌ها نیز به کار رود. بیان شده است که علی‌رغم اینکه دول میزبان این شرکت‌ها محق به نظارت بر عملکرد آن‌ها هستند، اما وجود موانعی چون معاهدات دوجانبه و منطقه‌ای راجع به سرمایه‌گذاری خارجی و استانداردهای بین‌المللی حداقلی رفتار با بیگانگان تا حدود زیادی دست این دولت‌ها را برای اعمال کنترل دقیق و جدی بر این شرکت‌ها بسته است. به اعتقاد برخی، الزام این شرکت‌ها به رعایت تعهدات زیست‌محیطی فراتر از قوانین کشور میزبان با اصل رفتار ملی با سرمایه‌گذار مغایرت دارد. در صورتی که قوانین زیست‌محیطی کشور مادر سخت‌گیرانه‌تر باشد سرمایه‌گذار می‌تواند مدعی شود که دولت میزبان برای آغاز سرمایه‌گذاری، شرطی قائل شده است که در سرمایه‌گذاری ملی وجود ندارد (ضیایی، ۱۳۹۵: ۱۲۹)؛ اما به نظر می‌رسد که مانع و محدودیت بزرگ‌تر، واقعیت‌های موجود جامعه بین‌المللی است؛ بدین معنا که با توجه به اینکه عمده فعالیت شرکت‌های فراملی در کشورهای توسعه‌نیافته و در حال توسعه است؛ لذا این کشورها به واسطه حضور کم‌رنگ خود در محیط‌های سیاسی و اقتصادی و به‌طور کلی روابط بین‌المللی نمی‌توانند آن‌گونه که باید و شاید بر این غول‌های اقتصادی نظارت کنند و در صورت ارتکاب عمل متخلفانه، به مسئولیت آن‌ها استناد کنند. در کنار امکان نظارت دولت میزبان بر سرمایه‌گذاری خارجی از نقش و تأثیر دولت متبوع این شرکت‌ها و به عبارتی دیگر دولت صادرکننده سرمایه در تحقق مسئولیت اجتماعی این شرکت‌ها نیز نباید غفلت کرد. «مسئولیت اجتماعی» شرکت‌ها

به‌عنوان یک مفهوم نوظهور به عواقب اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی عملکرد شرکت‌ها پرداخته و شیوه اتخاذ تصمیم در آن‌ها را به‌منظور ارتقای رویه‌های اجتماعی، تجاری و زیست‌محیطی هدف گرفته است» (پاسبان و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۴).

مسئولیت اجتماعی بدین معنا است که این شرکت به‌واسطه برخورداری از مواهب، حقوق و آزادی‌های جامعه بین‌المللی نسبت به رعایت تعهدات حقوق بشری ملزم می‌باشد و در صورت نقض این تعهدات، مسئولیت دارند و می‌بایست به جامعه بین‌المللی پاسخگو باشد (لطیفیان، ۱۳۹۲: ۵۵۶). این شکل از مسئولیت به‌عنوان مفهومی پویا و متغیر (United Nations Environment Programme, 2011: 15-16) خود بر مبنای قواعد نرم و داوطلبانه که عمدتاً هم اخلاقی هستند قرار دارند.

در توجیه تأثیر دولت متبوع شرکت‌های فراملی در تحقق مسئولیت اجتماعی این شرکت‌ها بیان شده است که از یک سو در رعایت و احترام به حقوق بشر میان این دسته از دولت‌ها با دیگر دولت‌ها هیچ تفاوتی وجود ندارد و این مسئله، تکلیف صریح و مشخص همه دولت‌هاست؛ ازسوی دیگر نظر به اینکه خود این دولت‌ها صاحبان این شرکت‌ها هستند لذا سازوکارهای حقوقی لازم و تعریف‌شده جهت کنترل و نظارت بر این شرکت‌ها و همچنین شفافیت در عملکرد آن‌ها را دارا می‌باشند (Sornarajah, 2010: 257-260)؛ البته این نکته را نیز باید توجه داشت که این نحوه نظارت هم ممکن است با محدودیت و مانع مواجه شود؛ چراکه در این صورت دولت متبوع شرکت می‌تواند اقدام به اعمال صلاحیت فراسرزمینی نموده و قوانین ملی خود را بر سرزمین دیگر تحمیل نماید. این مسئله‌ای است که باعث می‌شود دول در حال توسعه که عمدتاً میزبان این شرکت‌ها هستند در مقابل چنین اقدامی ایستادگی نمایند؛ چراکه آن‌ها همواره نگران نقض حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی خود هستند (Puvimanasinghe, 2007: 166-167).

اگر بخواهیم مسئولیت شرکت‌های فراملی را از منظر قواعد عام مسئولیت بررسی کنیم باید گفت که به‌طورکلی به‌موجب حقوق بین‌الملل اعمال متخلفانه اشخاص خصوصی (افراد یا شرکت‌ها) به دولت منتسب نمی‌شود؛ مگر اینکه با مجوز دولت (متبوع) به اعمال



اقتدارات عمومی پردازند یا اینکه در انجام رفتار به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت عمل نموده باشد و حالت سوم اینکه دولت، آن رفتار را تأیید نموده و آن را همچون رفتار خویش تلقی نماید. (Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, 2001, Arts. 5, 8, 11). در موارد فوق اعمال اشخاص خصوصی (چه در سرزمین دولت و چه خارج از آن) فعل دولت تلقی می‌شود. بر این اساس در صورتی که شرکت فراملی در جریان انجام عمل حاکمیتی، مرتکب تخلف شود دولت متبوع آن شرکت باید پاسخگو باشد. در ارتباط با انطباق رفتار یک شرکت فراملی با ماده ۸ طرح مسئولیت که از انجام رفتار به دستور، تحت هدایت یا کنترل دولت سخن می‌گوید موضوع میزان کنترل دولت بر آن شرکت مطرح می‌شود. در این خصوص به‌طور کلی از دو معیار «کنترل کلی»<sup>۱</sup> و «کنترل مؤثر»<sup>۲</sup> استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد با توجه به رویه قضایی از جمله رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه (۱۹۸۶)، معیار دوم با پذیرش بیشتری برخوردار است. به اعتقاد کمیسیون حقوق بین‌الملل، در مواردی که شواهدی وجود دارد که دولت از منافع مالکانه خویش یا کنترل خود بر شرکت جهت حصول نتیجه‌ای خاص بهره گرفته است رفتار مورد بحث به دولت منتسب می‌شود (Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries, 2001: 8). بر این اساس اگر شرکتی خسارت زیست‌محیطی ایجاد کند در صورتی که ثابت شود که دولت به نحو مؤثری بر آن کنترل داشته است دولت مسئول شناخته می‌شود؛ البته می‌توان از ماده ۱۶ طرح مسئولیت هم کمک گرفت و بیان داشت که در جایی که دولت محل ثبت شرکت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه به شرکت کمک یا مساعدت کند نیز مسئول شناخته می‌شود.

حال جدای از مباحث فوق، این سؤال مطرح می‌شود که نظر به اینکه شرکت‌های فراملی معمولاً از طریق شعبات فرعی که در دولتی غیر از دولت محل ثبت شرکت مادر

۱ Overall Control

۲ Effective Control

(مثلاً دولت میزبان) ثبت شده است فعالیت می‌کنند، آیا دولت محل ثبت شرکت اصلی را می‌توان بابت نقض‌های زیست‌محیطی شعبات فرعی مذکور مسئول دانست یا خیر؟ به نظر می‌رسد از آنجا دولت متبوع شرکت اصلی باید نسبت به رفتار شعبه فرعی خارجی خود مراقبت و نظارت کافی را داشته باشد؛ لذا در صورت اثبات عدم مراقبت و تلاش مقتضی این دولت برای کنترل اقدامات زیان‌بار شرکت، باید پاسخگویی نقض تعهدات زیست‌محیطی باشد. حالت دیگری که لازم است بدان اشاره شود این است که دولت میزبان هم می‌تواند مسئول شناخته شود. با وجود این واقعیت که کشورهای در حال توسعه که عموماً میزبان این شرکت‌ها هستند چندان مایل نیستند که با وضع دسته‌ای قواعد مانع سرمایه‌گذاری شوند، اما نباید فراموش کرد که به موجب حقوق بین‌الملل تکلیف اولیه برای وضع قوانینی که از نقض حقوق محیط‌زیست توسط این شرکت‌ها جلوگیری کند بر عهده دولت میزبان است (Joseph, 1999: 176) که در صورت تخلف، مسئول شناخته می‌شود. در این خصوص به اعتقاد برخی، می‌توان با توجه به اصل «مسئولیت مشترک اما متفاوت» مسئولیت دولت محل فعالیت شرکت فراملی را از باب فعالیت‌هایی که در سرزمین تحت کنترل و قلمرو صلاحیت جغرافیایی‌اش انجام می‌گیرد مطرح ساخت (Puvimanasinghe, 2007: 114). برخی دیگر در مطلبی اشاره کرده‌اند که با توجه به اینک حدود ۹۰ درصد این شرکت‌ها دارای شرکت‌های مادر در کشورهای در حال توسعه هستند و همچنین از آنجاکه حقوق بین‌الملل به دولت متبوع این شرکت‌ها اجازه داده است تا صلاحیت سرزمینی خود را نسبت به اعمال متخلفانه اتباع خود در خارج، اعمال کنند؛ لذا برای اینکه از مشکلات طرح دعوا در دولت میزبان اجتناب شود راه حل معقول‌تر برای طرح مسئولیت این شرکت‌ها به خاطر نقض‌های حقوق بین‌الملل در سرزمین دول دیگر این است که علیه آن‌ها در کشورهای متبوع این شرکت‌ها طرح دعوا شود (صلح‌چی، ۱۳۹۳: ۱۱۸). مواردی از اقامه دعوا علیه این شرکت‌ها در دادگاه‌های ملی وجود دارد که البته به نتیجه مشخصی نرسیده است؛ زیرا این شرکت‌ها با ادعای اینکه دادگاه محل خسارت، صالح به رسیدگی است یا اینکه شرکت فرعی از شخصیت حقوقی مستقلی برخوردار است، از دعوا طفره رفته‌اند.

باین حال بسیاری از کشورهای سرمایه‌فرست با آگاهی از این مسئله که عمدتاً کشورهای میزبان سرمایه، علاقه‌ای به اعمال صلاحیت قانونی و قضایی خود بر این شرکت‌ها در جهت حمایت از محیط‌زیست ندارند، خود اقدام به اعمال صلاحیت فراسرزمینی نموده‌اند (ضیایی، ۱۳۹۳: ۲۱۳). به اعتقاد برخی، دولت متبوع شرکت اصلی باید تضمین نماید که فعالیت‌های شرکت در کشور دیگر به شکلی انجام شود که به محیط‌زیست کشور میزبان خسارتی وارد نسازد. به‌هرحال نیاز است که دولت متبوع بتواند صلاحیت فراسرزمینی خود را بر این شرکت‌ها اعمال نماید و شکست این دولت در این خصوص، مسئولیت بین‌المللی او را به دنبال خواهد داشت (Collins, 2010: 29-30) که البته باید اشاره نمود که چنین تعهدی تاکنون در حقوق بین‌الملل تعریف نشده است.

### ج. آلودگی دریای مازندران توسط شرکت‌های فراملی

دریای مازندران که بزرگ‌ترین دریای بسته کره زمین محسوب می‌شود به دلیل برخورداری از دسته‌ای از ویژگی‌ها به نوبه خود یک زیست‌بوم منحصر به فرد محسوب می‌شود. گونه‌های جانوری و ماهیان متنوع از جمله خاویار در کنار منابع عظیم نفت، این پیکره آبی را از جایگاه و اهمیت ویژه برخوردار ساخته است. در کنار این مزایا این دریا همواره در معرض آسیب‌ها و خسارات طبیعی و به‌ویژه انسانی قرار داشته است به نحوی که برداشت بی‌رویه از منابع، محیط‌زیست این دریا را با خطرات عمده و آلودگی همراه ساخته است. یکی از مسائلی که در یک دهه اخیر به دغدغه زیست‌محیطی مهمی برای کشورهای حاشیه این دریا به‌ویژه ایران تبدیل شده است حضور شرکت‌های بزرگ فراملی برای استخراج منابع نفت و گاز این دریا است. چندین سال است که جمهوری آذربایجان، بهره‌برداری از منابع نفت و گاز در سواحل خود را به شرکت بریتیش پترولیوم سپرده است. جمهوری آذربایجان در سال ۱۹۹۴ بزرگ‌ترین قرارداد نفتی با شرکت بی‌پی و چند شرکت معروف جهان برای توسعه میدان نفتی «آذری- چراغ و گونشلی (شرق باکو)» در دریای مازندران را به مدت ۳۰ سال منعقد کرد. در حال حاضر روزانه ۶۲۰ میلیون بشکه نفت از

این میدان استخراج می‌شود) (همکاری نفتی جمهوری آذربایجان و بی‌پی، ۱۳۹۵/۱/۴، <http://www.tabnak.ir>) تأسیس خط لوله نفت باکو- سوپسا به طول ۸۳۳ کیلومتر، خط لوله شاه دنیز به طول ۶۹۲ کیلومتر که از میدان گازی شاه دنیز در دریای مازندران و در نزدیکی باکو در جمهوری آذربایجان آغاز شده و در ارزروم ترکیه خاتمه می‌یابد و خط لوله باکو- تفلیس- جیحان، خط به طول ۱۷۶۸ کیلومتر مواردی هستند که شرکت بی‌پی به‌طور مستقیم در آن‌ها مشارکت داشته است.

اقدام شرکت بی‌پی در استخراج نفت آلودگی دریای مازندران را به دنبال داشته است. «کنسرسیوم AIOC به رهبری شرکت بی‌پی بر اساس توافقنامه‌ای با وزارت محیط‌زیست و ثروت‌های طبیعی جمهوری آذربایجان به‌منظور تزریق مجدد آب‌های آلوده به نفت به چاه‌هایی به عمق شش هزار متر متعهد شده بود؛ اما این کنسرسیوم با سوءاستفاده از اعتماد دولت باکو به تعهد خود عمل نکرده و مواد آلوده نفتی را به آب‌های دریای مازندران جاری کرده است. آب‌های آلوده‌ای که کنسرسیوم AIOC به دریای مازندران جاری کرده است موجب نابودی ماهیان و سایر جانداران خزر می‌شود. به علت کاهش شدید اکسیژن در آب‌های دریای خزر ناشی از جاری شدن آب‌های آلوده به مواد نفتی شرکت بی‌پی و کنسرسیوم AIOC، میزان باکتری‌های خطرناک در آب‌های دریای خزر افزایش یافته و شرایط را برای جهش‌های ژنتیکی خطرناک میان جانداران این دریاچه فراهم می‌کند. شرکت بی‌پی به‌خوبی از خطرات آگاهی دارد اما با سهل‌انگاری در این خصوص به‌طور جدی تعهداتش را نقض کرده است» («تأکید مجدد ایران بر جلوگیری از آلودگی دریای خزر»، ۱۳۹۱/۸/۱۷، <http://fa.arannews.com>)؛ البته پیش از اتفاقات مزبور مقامات کشورمان در موارد متعددی نسب به اقدام شرکت بی‌پی در آلوده ساختن آب‌های دریای مازندران و در نتیجه تخریب محیط‌زیست این دریا به جمهوری آذربایجان هشدار داده بودند.

مورد دیگر اینکه به گفته یکی از مقامات سازمان حفاظت محیط‌زیست کشورمان «در سال‌های گذشته به‌صورت مکرر سواحل جنوبی دریای مازندران توسط «گلوله‌های نفتی» پوشانده شده است و در آخرین حادثه حدود ۲۵ تن گلوله نفتی از سواحل ایران

جمع‌آوری شد. افزایش مواد نفتی در محیط‌های دریایی باعث افزایش میزان مواد آلی و در نتیجه آن مصرف اکسیژن برای سوخت‌وساز آن‌ها می‌گردد و بنابراین میزان اکسیژن آب دریای مازندران رو به کاهش است که موجب مرگ‌ومیر آبزیان می‌شود» («ایران از شرکت BP برای آلودگی نفتی دریای خزر شکایت می‌کند»، ۱۳۹۱/۱۱/۸، <http://www.mehrnews.com>).

مطالب فوق روشن می‌سازد که وضعیت فعلی دریای مازندران مصداق آلودگی فرامرزی است. دولت آذربایجان به‌عنوان دولت میزبان باید مراقبت کافی را برای عدم وقوع خسارات زیست‌محیطی توسط شرکت بی‌پی به عمل آورد؛ چراکه همان‌گونه که دیوان داوری در قضیه «تریل اسملتر» بیان داشته است این یک اصل مهم حقوق بین‌الملل است که هر دولتی موظف به حمایت از دول دیگر در برابر ارتکاب اعمال زیان‌بار در درون قلمرو تحت صلاحیتش توسط اشخاص خصوصی می‌باشد (والاس، ۱۳۸۲: ۸). دولت آذربایجان باید در صورت اقامه دعوا توسط کشور زیان‌دیده، صلاحیت خود را بر این شرکت اعمال کند که البته در غیر این صورت، می‌توان طرح دعوا علیه شرکت در محاکم دولت متبوع آن را پیگیری کرد؛ اما در مورد اینکه دولت انگلیس یا آذربایجان هم ممکن است مسئول شناخته شوند می‌توان اشاره داشت که در صورت اثبات اینکه بی‌پی در سمت اعمال اقتدارات حاکمیتی انگلیس عمل کرده یا در ارتکاب فعل متخلفانه به دستور یا تحت هدایت و کنترل مؤثر این کشور عمل کرده باشد می‌توان به مسئولیت انگلیس نظر داد. طرح مسئولیت آذربایجان هم در صورت اثبات تخلفش مبنی بر معاونت با شرکت در ارتکاب عمل متخلفانه یا قصور در پیشگیری از تخلف یا مجازات متخلفان امکان‌پذیر است؛ زیرا به‌طور خاص در مورد قصور در مجازات متخلفان، موضوع این است که اگر دولتی احتیاط‌های لازم را انجام دهد، اما باز اشخاص خصوصی واقع در سرزمینش مرتکب خسارت به محیط‌زیست شوند این دولت باید تمام اقدامات لازم برای مجازات متخلفان را اتخاذ نماید که در صورت خودداری از این کار، امکان انتساب تخلف به دولت وجود دارد. (دانشگاه هاروارد، ۱۳۸۰: ۵۰).

واقعیت این است که آن‌گونه که از شواهد و قرائن پیداست طرح مسئولیت آذربایجان دور از ذهن نیست؛ زیرا با وجود اذعان این کشور به اینکه فعالیت‌های این شرکت آلوده‌کننده است اما اقدامی خاصی انجام نداده است و این اقدام، مغایر با اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم (اصل استفاده‌ی غیر زیان‌بار از سرزمین)، اصل منع سوءاستفاده از حق است. اصلی که بر طبق آن، یک کشور نمی‌تواند به بهانه اعمال حاکمیت خود یا توسط شرکت‌های فراملی فعال در سرزمینش به بهانه اعمال حاکمیت خود سبب خسارت به کشور دیگر چه توسط خود و چه از سوی شرکت‌های فراملی موجود در سرزمینش شود. در واقع باید توجه داشت که سرمایه‌گذاری خارجی که نوعی تفویض اختیار استخراج و بهره‌برداری از منابع از سوی حکومت به سرمایه‌گذار است، در قالب اصل مذکور قابل تحلیل و ارزیابی است (ضیایی، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

### الف. نتیجه‌گیری

با امعان نظر به آنچه در این مقاله گفته شد می‌توان اشاره نمود که شرکت‌های فراملی به‌عنوان یکی از عوامل جهانی‌شدن یکی از بازیگران مؤثر و قدرتمند عرصه اقتصاد و سرمایه‌گذاری جهانی هستند و به نظر می‌رسد که می‌توان آن‌ها را در دسته تابعان منفعل حقوق بین‌الملل تقسیم‌بندی کرد. فعالیت این شرکت‌ها در عرصه بهره‌برداری از منابع نفت و گاز و معادن کشورها در موارد زیادی با تخریب محیط‌زیست منطقه (آلودگی آب، خاک و هوا، تولید گازهای گلخانه‌ای و پسماندهای سمی و خطرناک و ...) همراه بوده است به‌نحوی که جبران بسیاری از خسارات تقریباً غیرممکن است. تخریب محیط‌زیست موجب شده است که زندگی مردمان بومی هم تحت تأثیر شدید قرار گیرد و با بیماری‌های گوناگون و از دست دادن امکانات امرار و معاششان مواجه شوند. در باب تعهدات زیست‌محیطی این شرکت‌ها به‌ویژه با توجه به ارتکاب نقض‌های متعدد زیست‌محیطی توسط آن‌ها شامل ایجاد انواع آلودگی‌ها و تخریب محیط‌زیست در حال حاضر هیچ سند

حقوقی الزام‌آوری تنظیم نشده است و تمامی اقدامات صورت گرفته نهایتاً به تدوین یک دسته استانداردهای حداقلی زیست‌محیطی (حقوق نرم) در قالب اصول راهنما و کدهای رفتاری توسط سازمان ملل و برخی سازمان‌های منطقه‌ای همچون سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ختم شده است که مضمون اصلی بیشتر آن‌ها درخواست از شرکت‌های فراملی برای منطبق کردن فعالیت‌هایشان با قوانین ملی، رویه و سیاست‌های اداری مرتبط با حفاظت از محیط‌زیست کشور محل فعالیت، توجه به ملاحظات زیست‌محیطی و ارائه اطلاعات مربوط به آن دسته از فعالیت‌های آسیب‌رسان به محیط‌زیست دولت میزبان است. در کنار اسناد مذکور می‌توان این شرکت‌ها را نیز ملزم به رعایت اصول زیست‌محیطی بین‌المللی دانست؛ اصولی چون ارزیابی زیست‌محیطی، ادغام، پیشگیری، احتیاط و ارائه اطلاعات زیست‌محیطی که تقریباً همگی جایگاه عرفی پیدا کرده‌اند؛ یعنی در واقع پیشنهاد می‌شود که جامعه بین‌المللی اعمال اصول زیست‌محیطی بین‌المللی همچون احتیاط، پیشگیری، ارزیابی زیست‌محیطی و ادغام بر این شرکت‌ها را به‌طور سخت‌گیرانه‌تری دنبال کند و حتی دول میزبان یا خود را ملزم به درج تعهد شرکت‌ها به رعایت این اصول در موافقت‌های سرمایه‌گذاری کنند؛ همچنین نظارت دول میزبان و متبوع بر عملکرد بر رفتار زیست‌محیطی این شرکت‌ها کارساز خواهد بود.

نظام حقوقی حاکم بر مسئولیت بین‌المللی این شرکت‌ها بابت نقض تعهدات زیست‌محیطی این آن‌ها هم فاقد مضامینی الزام‌آور، منسجم و سازگار است. نظر به اینکه حقوق بین‌الملل تاکنون نتوانسته است نظام مسئولیت خاصی برای این شرکت‌ها تعریف کند؛ لذا پیشنهاد می‌شود در خصوص این موضوع به قواعد عام مسئولیت بین‌المللی به‌ویژه طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ استناد شود. تکلیف اولیه اعمال صلاحیت قضایی بر این شرکت‌ها بابت عمل متخلفانه با دولت میزبان است که در صورت عدم توانایی یا عدم تمایل، اعمال صلاحیت توسط دولت متبوع شرکت اصلی به‌عنوان راه‌حل جایگزین پیشنهاد می‌شود. این نکته را هم باید توجه داشت که نظر به اینکه دولت میزبان نسبت به پیشگیری از نقض‌های زیست‌محیطی در درون قلمرو تحت صلاحیتش و

همچنین مجازات متخلفان مسئولیت دارد؛ بنابراین در صورت قصور در انجام این تکالیف و ورود خسارت به محیط‌زیست کشور دیگر، می‌توان تحت شرایطی از مسئولیت این دولت در قبال خسارات زیست‌محیطی سخن گفت. دولت متبوع شرکت هم در صورت اثبات این موضوع که شرکت در ارتکاب عمل متخلفانه، در سمت اعمال حاکمیت یا تحت هدایت یا کنترل مؤثر یا به دستور دولت عمل کرده است دارای مسئولیت بین‌المللی است.

### ب. پیشنهاد

نظر به مطلب ذکر شده در خصوص آلودگی دریای مازندران و ورود خسارت به سواحل ایران توسط شرکت بی‌پی که طرف قرارداد با آذربایجان است، پیشنهاد می‌شود که ایران ابتدا به سراغ طرح مسئولیت شرکت بی‌پی در دادگاه‌های داخلی آذربایجان رود. در فقدان این شیوه امکان طرح دعوا علیه این شرکت در محاکم ملی دول متبوع آن‌ها نیز وجود دارد. ایران همچنین نباید فرصت طرح دعوی علیه انگلستان به‌عنوان دولت متبوع شرکت بی‌پی و آذربایجان به‌عنوان دولت میزبان سرمایه‌گذاری خارجی را از دست دهد؛ البته طرح دعوی علیه دو دولت پیچیدگی‌های خاص خود را دارد؛ چراکه اساساً طبق مقررات بین‌المللی دولت‌ها بابت اعمال اشخاص خصوصی مسئولیت ندارد؛ مگر اینکه مشخص شود که آن اشخاص در راستای اعمال اقتدارات حاکمیتی دولت متبوع یا به دستور یا تحت هدایت یا کنترل دولت عمل کرده‌اند؛ البته طرح ادعا علیه آذربایجان از باب معاونت در بروز تخلف یا نقض تعهد بین‌المللی‌اش در زمینه پیشگیری از بروز عمل متخلفانه در مقایسه با طرح ادعا علیه انگلستان دورنمای روشن‌تری دارد. ایران می‌تواند بر روی اصل استفاده غیر زیان‌بار از سرزمین تأکید کند و خسارات فرامرزی و نقض این اصل توسط آذربایجان را ادعا کند.





## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- پاسبان، محمدرضا؛ اصغری، زینب (۱۳۹۳)، «نقش رفتار منصفانه در حل و فصل اختلافات ناشی از سرمایه‌گذاری خارجی با تأکید بر مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌های فراملی»، *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، س ۳، ش ۸، صص ۷۰-۴۳.
- تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۹۳)، *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، تهران: خرسندی.
- دانشگاه هاروارد (۱۳۸۰)، *حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، ترجمه فضل‌الله موسوی، تهران: میزان.
- صلح‌چی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «مسئولیت دولت در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشر توسط شرکت‌های فراملی»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، س ۱۶، ش ۴۴، صص ۱۲۸-۱۰۵.
- صلح‌چی، محمدعلی؛ محمدی، مهرداد (۱۳۹۴)، «تعهدات زیست‌محیطی شرکت‌های فراملی در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، س ۱۶، ش ۴۶، صص ۸۱-۱۰۱.
- ضیایی، یاسر (۱۳۹۳)، «جایگاه تعهدات زیست‌محیطی در حقوق بین‌الملل سرمایه‌گذاری»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، س ۱۵، ش ۴۲، صص ۲۲۴-۱۹۱.
- ضیایی، یاسر (۱۳۹۵)، «شرکت‌های فراملی و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، *فصلنامه حقوق ملل*، سال ۶، ش ۲۲، صص ۱۳۳-۱۱۹.
- فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۴)، *صلح‌جاویدان و حکومت قانون: دیالکتیک همانندی و تفاوت*، تهران: فرهنگ نشر نو.
- کیس، الکساندر چارلز؛ لانگ، وینفرد؛ سند، پیتر (۱۳۸۴)، *حقوق محیط‌زیست*، ج ۲، ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- لطیفیان، محمدحسین (۱۳۹۲)، «شرکت‌های چندملیتی و محدودیت‌های حقوق بشری»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۶۰، ۱۳۹۲، صص ۶۱۸-۵۵۱.
- موسوی، فضل‌الله (۱۳۹۱)، *سیر تحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست*، تهران: میزان.
- والاس، ربکا (۱۳۸۲)، *مقدمه‌ای بر حقوق بین‌الملل*، ترجمه قاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.

### ب. تارنماهای اینترنتی

- «همکاری نفتی جمهوری آذربایجان و بی‌پی»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۵/۱/۴، تاریخ مشاهده: <http://www.tabnak.ir>، قابل دسترس در: ۱۳۹۹/۸/۱۰
- «ایران از شرکت BP برای آلودگی نفتی دریای خزر شکایت می‌کند»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۱۱/۸، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۷/۲۸، قابل دسترس در: <http://www.mehrnews.com>
- «تأکید مجدد ایران بر جلوگیری از آلودگی دریای خزر»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۱/۸/۱۷، تاریخ مشاهده: ۱۳۹۹/۷/۲۵، قابل دسترس در: <http://fa.arannews.com>

### ج. منابع انگلیسی

- Collins, David (2010), "Environmental Impact Statements and Public Participation in International Investment Law", *Manchester Journal of International Economic Law*, Vol. 7, No.2, pp. 1-33.
- Cayford, Steven (1996), "The Ogoni Uprising: Oil, Human Rights, and a Democratic Alternative in Nigeria", *African Today*, Vol. 43, No.2, pp. 183-197.
- Joseph, Sarah (1999), "Taming the Leviathans: Multinational Enterprises and Human Rights", *Netherlands International Law Review*, Vol. 46, Issue.2, pp. 171-203.
- Hansen, Michael W (1999), "Cross border environmental management in transnational corporations. An analytical framework", *Report as part of UNCTAD /CBS Project: Cross Border Environmental Management in Transnational Corporations*, Occasional paper No. 5, PP. 1-35.
- Mowery, Lauren A (2002), "Earth Rights, Human Rights: Can International Environmental Human Rights Affect Corporate Accountability", *Fordham Environmental Law Journal*, Vol. 13, No.2, pp. 343-373.
- Puvimanasinghe, Shyami Fernando (2007), *Foreign investment; Human Rights and the environment*, The Netherlands: Martinus Nijhoff.
- Rogers Kalas, Peggy (2000), "The implication of Jota v. Texaco and the Accountability of Transnational Corporation", *Pace International Law Review*, Vol. 12, Issue. 1, pp. 47-77.
- Sornarajah, M (2010), *the International Law on Foreign Investment*, 3rd Edition, New York: Cambridge University Press.
- Sands, Philippe (2003), *Principles of International Environmental Law*, Second edition, United States of America: Cambridge University Press.
- Shinsato, Alison (2005), "Increasing the Accountability of Transactional Corporations for Environmental Harms: The Petroleum Industry in Nigeria", *Northwestern Journal of International Human Rights*, Vol. 4, Issue. 1. Pp. 186-209.
- UN Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights resolution 2003/16, Norms on the Responsibilities of Transnational Corporations and Other Business Enterprises with Regard to Human Rights, *U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/2003/12/Rev.2* (2003).

- United Nations Conference on Trade and Development, World Investment Report 2002: Transnational Corporations and Export Competitiveness, *U.N. Doc. UNCTAD/WIR/2002* (Sept. 17, 2002).
- United Nations Environment Programme, *Report on Corporate Social Responsibility and, Regional Trade and Investment Agreements*, 2011.
- *Rio Declaration on Environment and Development*, 1992.
- Declaration of the United Nations Conference on the Human Environment' (16 June 1972), *UN Doc A/CONF.48/14/Rev.1* (Stockholm Declaration)
- *North America Free Trade Agreement (NAFTA)*, 1994.
- The Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD), *the OECD Declaration and Decisions on International Investment and Multinational Enterprises*: Basic Texts, The most recent review (2011).
- *OECD Guidelines for Multinational Enterprises*, 2008.
- Commission on Transnational Corporations, *Report on the Special Session (7-18 March and 9-21 May 1983) United Nations Code of Conduct on Transnational Corporations*, Version 1983.
- *World Investment Report*, 1992.
- Transnational Corporations as Engines of Growth, Report of Department of Economic and Social Development, *U.N. Doc. ST/CTC/143*.
- International Law Commission, *Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries*, 2001.

